



آینده فرزندان ما را

با هم میسازیم

جهت ارتباط با ما کلیک کنید

پشتیبانی لحظه ای محصولات



ورود به سایت مشق آنلاین



اینستاگرام مشق آنلاین



مشق آنلاین

شناسه نشر دیجیتال : ۱۳۴۶۶

مشخصات : کتاب دیجیتال با فرمت PDF

یادداشت

خرید و مشاهده مشخصات اثر به طور انحصاری در سایت:

MashghOnline.ir

ناشر دیجیتال مبتنی بر خط و مبتنی بر حامل های رایانه ای

نام کتاب : (درس پانزدهم فارسی کلاس پنجم ابتدایی)

ناشر : مشق آنلاین

صاحب اثر : سید امیر بنی طبا

شناسه ثبت : 397842

کلیه حقوق چاپ و نشر این اثر برای وب سایت مشق آنلاین محفوظ است.

هیچ شخص حقیقی یا حقوقی حق چاپ یا انتشار تمام یا بخشی از این اثر را ندارد.

انتشارات مشق آنلاین دارای مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به شماره ۱۰۶۵۸۶۹۲۹۷۱۱ و پروانه نشر به شماره ۱۳۴۶۶ میباشد.

متخلفین به موجب بند ۵ از ماده ۲ قانون حمایت از ناشران تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت.



نمادها و صلاحیت ها





درسنامه

(درس ۱۵)

فارسی کلاس پنجم ابتدایی



اهداف:

تقویت مهارت خوانش شعر با رعایت لحن

گسترش دایره واژگان با به کارگیری کلمات با معانی مختلف " چون و چو "

آشنایی با چگونگی بیان پایان قصه

تقویت فضایل اخلاقی به ویژه « ایثار و توجه به هممنوع »

آشنایی با بازگردانی شعر به نثر ساده به عنوان شگردی برای تقویت مهارت نوشتن

درباره ی درس پانزدهم:

شعر «دو کاج» از جمله شعرهایی است که بزرگترها، آن را به خوبی به یاد دارند؛ این شعر پایان تلخی داشت و نشان می داد که اگر به همدیگر رحم نکنیم، در زندگی به ما نیز رحم نمی شود.

«دو کاج» اولین بار در دهه ی ۴۰ به صورت متن داستانی یک صفحه ای در کتاب درسی وارد شد و بعدها محمدجواد محبت، آن را به صورت شعر در آورد.

تقریباً از دهه ۵۴ به بعد، این شعر در کتاب درسی بود اما بعد حذف شد؛ آقای محبت در طول این چند سال، نقدهایی که به شعر بود را بررسی کرد.

برخی نقد می کردند که این شعر برای بچه ها مناسب نیست و پایان تیره و فضای ناامیدی و تلخ در آن حکم فرماست و با دنیای کودکان همخوانی ندارد که آقای محبت نیمه پایانی شعر را تغییر داد.

این شعر، نوع دوستی و کمک به یکدیگر را تأکید می کند و می گوید مهربانی و دوستی راه موفقیت و پیروزی است.

این شعر به صورت مناظره (با یکدیگر حرف زدن) سروده شده است.

محمد جواد محبت:

● کودکی و تحصیلات را در کرمانشاه گذراند و سپس به عنوان معلم در روستاهای قصر شیرین به خدمت مشغول شد. شعرهای او از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ در مجلات توفیق، خوشه، روشنفکر، دریچه، تهران مصور و هفته نامه مشیر چاپ می شد. از سال ۱۳۶۲ به گروه مولفین کتاب های درسی پیوست و آثاری از او در کتابهای دوم، سوم، چهارم و پنجم ابتدایی درج شد. محبت همچنین در زمینه نقد شعر و قصه نویسی فعال است. او از آغاز فعالیت خود تا به امروز با کانون شعرا و نویسندگان امور تربیتی اداره کل آموزش و پرورش کرمانشاه و انجمنهای ادبی رشید یاسمی، شعر جوان و ادیبان ایران همکاری داشته است. وی یکی از چهار شاعری است که جایزه شعر فروغ به او اختصاص یافته است. وی از شاعران توانا و چهره های ماندگار و نام آشنای کرمانشاه و کشور است. وی دارای دیپلم از دانشسرای مقدماتی است و پس از طی مراحل تحصیل به استخدام آموزش و پرورش درآمد.

معنی بیت ها، نکات دستوری:

در کنار خطوط سیم پیام خارج از ده دو کاج روییدند

معنی: بیرون از ده (روستا) در کنار خط های سیم تلفن، دو کاج، روییده بودند.

بیت یک جمله دارد. خطوط سیم پیام: دو ترکیب اضافی ده: متمم

دو کاج: نهاد کنار خطوط سیم پیام و خارج از ده قید می باشند.

سالیان دراز، رهگذران آن دو را چون دو دوست می دیدند

معنی: سال های طولانی، عابران (رهگذران) آن دو کاج را مانند دو دوست، می دانستند.

رهگذران: نهاد سالیان دراز: ترکیب وصفی چون: به معنی مانند (حرف اضافه) دو دوست: متمم

سالیان دراز: قید روییدند و می دیدند: قافیه بیت یک جمله دارد چون

دو دوست: آرایه ی تشبیه

روزی از روزهای پاییزی زیر رگبار و تازیانہ ی باد

معنی: در یکی از روزهای پاییزی، زیر باران تند و باد بسیار شدید

روزهای پاییزی: ترکیب وصفی زیر رگبار: ترکیب اضافی تازیانہ ی باد: ترکیب اضافی باد به تازیانہ تشبیه

شده است: آرایه ی تشبیه

این بیت با بیت بعدی موقوف المعانی است.

موقوف المعانی:

هرگاه معنای یک بیت، ناقص و برای تکمیل معنای آن به بیت یا بیت های بعدی نیاز باشد، به آن دو یا چند بیت موقوف المعانی می گویند. موقوف به معنای ایستانده و وابسته است و منظور از موقوف المعانی این است که درک معنای یک مصراع یا بیت وابسته به معنی مصراع یا بیت بعدی است.

یکی از کاج ها به خود لرزید خم شد و روی دیگری افتاد

معنی: یکی از کاج ها لرزید، خم شد و بر روی کاج دیگر افتاد

یکی از کاج ها: نهاد بیت سه جمله دارد. کاج ها: متمم باد و افتاد: قافیه

گفت: « ای آشنا، ببخش مرا خوب در حال من تأمل کن

معنی: گفت: ای دوست من، مرا ببخش و درباره ی وضعیّت من فکر کن (مرا درک کن).

ای آشنا: ندا و منادا خوب: قید حال: متمم حال من: ترکیب اضافی بیت چهار جمله دارد.

ریشه هایم ز خاک بیرون است چند روزی مرا تحمّل کن

معنی: ریشه هایم از خاک بیرون آمده است؛ چند روز در برابر این وضع من صبر و شکیبایی کن.

ریشه هایم: نهاد خاک: متمم بیرون: مسند من: مفعول بیت دو جمله دارد.

تأمل و تحمّل: قافیه کن و کن: ردیف

کاج همسایه، گفت با نرمی: « دوستی را نمی برم از یاد،

معنی: کاج همسایه به نرمی و به آهستگی گفت: من رابطه ی دوستی بینمان را فراموش نمی کنم

کاج: نهاد کاج همسایه: ترکیب وصفی دوستی: مفعول یاد: متمم بیت دو جمله دارد به نرمی: قید

شاید این اتفاق هم ناگهان از برای من افتاد»

معنی: شاید یک روزی این حادثه برای من اتفاق بیفتد و من به کمک، نیازمند بشوم

شاید: قید اتفاق: نهاد ناگهان: قید بیت یک جمله دارد این بیت با بیت قبل موقوف المعانی است. یاد و افتاد: قافیه

مهربانی به گوش باد رسید باد، آرام شد، ملایم شد

معنی: این مهربانی بین دو کاج، به گوش باد رسید و باد آرام شد و سرعتش را کم کرد.

مهربانی: نهاد گوش: متمم گوش باد: ترکیب اضافی باد: نهاد آرام: مسند ملایم: مسند

کاج آسیب دیده ی ما هم کم کمک، پا گرفت و سالم شد

معنی: کاج آسیب دیده و زخمی ما، آرام آرام ، نیرو گرفت (قوی شد) و بر جایش ایستاد.

کاج آسیب دیده: نهاد و ترکیب وصفی کم کمک: قید بیت دو جمله دارد پا گرفت: کنایه از این که قوی شد و قدرت گرفت. ملایم و سالم: قافیه شد و شد: ردیف

میوه ی کاج ها فرو می ریخت دانه ها ریشه می زدند آسان

معنی: میوه ی کاج بر روی زمین می ریخت و دانه های آن ها ریشه می زدند و کاج های جدیدی می رویدند.

میوه ی کاج: ترکیب اضافی میوه ی کاج: نهاد دانه ها: نهاد بیت دو جمله دارد.

ابر، باران رساند و چندی بعد ده ما، نام یافت « کاجستان »

معنی: ابر، بر سرشان بارید و بعد از مدتی ده ما را کاجستان نامیدند.

ابر: نهاد باران: مفعول ده ما: نهاد و ترکیب اضافی بیت دو جمله دارد

آسان و کاجستان: قافیه

قالب شعر چهار پاره می باشد.

"چهارپاره" از قالب های جدیدی است که همزمان با رواج شعر نو بوجود آمده است.

"چهارپاره" مجموعه ای از دو بیتی هایی است که در کل یک شعر را می سازند.

دو بیتی های تشکیل دهنده چهارپاره از لحاظ قافیه با هم تفاوت دارند.

معروفترین شاعران در این قالب میتوان از فریدون توللی، فریدون مشیری، مهدی سهیلی و پرویز خانلری یاد کرد.

حرف اضافه

حرف اضافه کلمه ایست که پیش از اسم، ضمیر یا عبارتی می آید و آن را متمم فعل یا مفعول بی واسطه قرار می دهد و بخودی خود معنی و نقش مستقل ندارد.

حروف اضافه بر دو گونه است:

الف - حروف اضافه ساده یا بسیط:

و آن شامل: به- با- از- در- بی- برای- چون- اندر- ... می باشد.

- آنکه تاج سر من خاک کف پایش بود از خدا می طلبم تا به سرم باز آید
 - زحال ما دلت آگه شود مگر وقتی که لاله بر دمد از خاک کشتگان غمت
 - چو در وفای توام بر دلم جفا میسند که پیش اهل وفا شرمسار خواهی شد
 - بر سنگ زدم دوش، سبوی کاشی سر مست بدم که کردم این اوباشی
 - با من به زبان حال می گفت سبو من چون تو بدم تو نیز چون من باشی
- ب - حروف اضافه مرکب:

و آن ها عبارتند از: درباره - از بهر - از برای - از جهت ...

مثال: اتفاقا شاه روزی شد سوار با خواص خویش از بهر شکار

یادآوری: اگر چه حروف اضافه بیشتر برای نشان دادن نقش متمم به کار می روند ولی موارد استفاده دیگری نیز دارند چنانچه "از" پس از صفت تفضیلی آورده می شود. مانند: فریبرز داناتر از مهشید است. گاهی نیز بین دو کلمه قرار می گیرند مانند: یک به یک - سربه سر - جان به کف.

مانند: بندگانیم جان و دل بر کف چشم بر حکم و گوش بر فرمان.

حرف ربط

حرف ربط یا پیوند کلمه ایست که دو کلمه یا دو جمله را بهم ربط یا پیوند می دهد. حروف ربط نیز بر دو قسم است:
الف- حروف ربط ساده:

و آنها عبارتند از: و- یا - که - پس - اگر- چون - چه - تا - اما - نه - لیکن - ولی ...

به قطعه ی مرگ قو اثر دکتر مهدی حمیدی شیرازی توجه فرمایید:

شنیدم که چون قوی زیبا بمیرد فریبنده زاد و فریبا بمیرد

شب مرگ، تنها، نشیند به موجی رود گوشه ای دور و تنها بمیرد

در آن گوشه چندان غزل خواند آنشب که خود در میان غزلها بمیرد

گروهی بر آند کاین مرغ شیدا کجا عاشقی کرد، آنجا بمیرد

شب مرگ از بیم، آنجا شتابد که از مرگ غافل شود تا بمیرد

من این نکته گیرم که باور نکردم ندیدم که قویی به صحرا بمیرد

چو روزی ز آغوش دریا بر آمد شبی هم در آغوش دریا بمیرد

ب- حروف ربط مرکب:

عبارتند از: چون که - چنان که - تا این که - زیرا که - اگر چه - همین که - وقتی که ...

یادآوری: حرف های اگر- ار- تا، در جمله های شرطی به کار می روند ولی در ردیف حروف ربط یا پیوند به شمار می روند.
مثال: من ار حق شناسم و گر خود نمای/ برون با تو دارم درون با خدای.

واژه آموزی:

« چو » و « چون » یکی از کلمه های پر کاربرد در نوشته ها و گفتار است. اما این دو نشانه معنی و کارکرد دو گانه دارند.

الف) نشانه یا حرف اضافه هستند.

او چون برادرم، مهربان است. چو باد، تیز و چالاک بود.

انسان هایی چون حضرت علی (ع) هرگز تکرار نمی شوند.

در جمله های بالا، « چو » و « چون » به معنی « مثل » و « مانند » هستند و تشبیه را برقرار می کنند و حرف یا نشانه ی اضافه می باشند.

ب) نشانه یا حرف ربط هستند.

کتاب می خوانم چون می خواهم بیشتر بدانم.

چون باران می بارید، چتر برداشتم.

چو باران مباد تن من مباد.

در جمله های بالا، « چون » یا « چو » دلیل و شرط را نشان می دهند و به معنی « به دلیل این که، زیرا که، وقتی که » هستند و دو جمله را به هم پیوند می دهند و نشانه یا کلمه ی ربط نامیده می شوند.

حروف نشانه: حرف هایی که برای تعیین نقش واژه در جمله می آیند و سه دسته اند.

الف- نشانه ندا (ای، یا) ...

ب- نشانه مفعول (را)

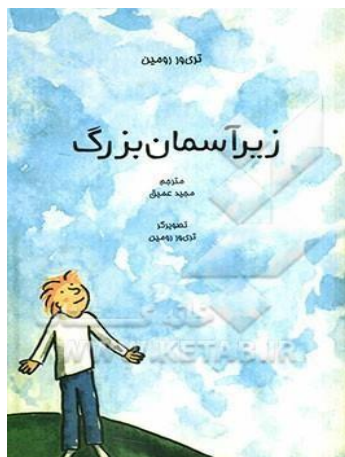
پ- نشانه اضافه و صفت (کسره اضافه)

تذکر: "را" علاوه بر مفهوم حرف نشانه گاهی به جای یکی از حروف اضافه نیز به کار میرفته است.

پیرمردی را گفتند. انوشیروان را پرسیدند.

در این موارد واژه قبل از را متمم است نه مفعول.

بخوان و ببیندیش



این متن از کتاب داستان نوشته ی ترور رومین و به ترجمه ی آقای مجید عمیق انتخاب شده است.

در این داستان به اهمیت تجربه و کسب آن از طریق گردش و سفر به نقاط مختلف اشاره شده است.

شخصیت های داستان

شخصیت پردازی را یکی از عناصر بنیادین داستان می دانند. شخصیت در داستان مشارکت می کند، معمولاً یک انسان است و هویت و ویژگی های گوناگونی دارد که از بطن داستان برآمده است. گونه های مختلف: شخصیت های داستانی از این قرارند.

شخصیت راوی: شخصیتی است که مخاطب داستان را از زاویه دید او تجربه می کند، با او همدردی می کند و از او طرفداری می کند، از این رو شخصیت اصلی داستان است.

قهرمان: شخصیتی است که کنش داستان را پیش می برد و انتظار می رود به هدف غایی داستان نائل شود. در شیوه ی داستان گویی غربی، قهرمان عموماً شخصیت اصلی داستان است.

ضد قهرمان: شخصیتی است که در برابر قهرمان قد علم میکند.

شخصیت ایستا: شخصیتی است که در روند داستان دچار تغییر محسوسی نمی شود.

شخصیت پویا: شخصیتی است که در روند داستان دستخوش تغییرات شخصیتی می شود.

شخصیت متضاد: شخصیتی است که از نظر خصوصیات درست در نقطه ی مقابل قهرمان قرار دارد و شخصیت و ویژگی‌های قهرمان را آشکار می کند.

شخصیت مکمل: شخصیتی که در داستان نقشی ایفا می کند اما نقش او چندان عمده نیست.

شخصیت فرعی: شخصیتی است که نقش کوچکی در داستان دارد.

شیوه‌های پرداخت شخصیت:

ویژگیهای ظاهری: ظاهر بیرونی شخصیت توصیف می شود تا خواننده بتواند او را بشناسد.

گفتگوها: شخصیت چه می گوید و چطور می گوید.

کنشها: کارهایی که شخصیت انجام می دهد و چگونگی انجام آنها

واکنش دیگران: شخصیت های دیگر او را چطور می بینند و با او چه رفتاری دارند.

حکایت (حکمت)

نثر مسجع: نوع نثر مسجع می باشد. برگرفته از کتاب گلستان سعدی، باب اول، در سیرت پادشاهان

نوشته ای است که در آخر جملات آن کلمات هماهنگ یا هم سجع آمده باشد. جملات در نثر مسجع آهنگین می باشند و در بعضی از موارد ممکن است این متون با شعر/ نظم اشتباه شوند. قدیمی ترین نثر مسجع موجود و شناخته شده مناجات نامه و کنز السالکین خواجه عبدالله انصاری در قرن پنجم می باشند و از جمله دیگر آثار در این سبک کتاب های مقامات حمیدی، گلستان سعدی (۶۵۶ ه . ق) و بهارستان جامی (قرن ۹) می باشند.

معنی جمله های دشوار:

پادشاهی با غلامی در کشتی نشست و غلام هرگز دریا ندیده بود م محنت کشتی نیازموده گریه و زاری در نهاد و لرزه بر اندامش افتاد.

معنی: پادشاهی با خدمتکارش سوار کشتی شد آن خدمتکار هیچ وقت از نزدیک دریا ندیده بود و رنج و سختی سوار شدن به کشتی را امتحان نکرده بود شروع به گریه کرد و از ترس می لرزید.

لرزه بر اندامش افتاد: کنایه از این که از ترس می لرزید.

چندان که ملاحظت کردند آرام نمی گرفت و ملک از این حال آزرده گشت.

معنی: هر قدر با او مهربانی می کردند ساکت نمی شد. پادشاه از این وضع غمگین شد و راهی نمی دانستند تا خدمتکار را آرام کنند.

حکیمی در آن کشتی بود ملک را گفت: « اگر فرمان دهی من او را به طریقی خامش گردانم . »

معنی: دانشمندی در آن کشتی بود به پادشاه گفت: « اگر دستور بدهی من با یک روشی او را ساکت می کنم ملک را گفت به معنی: به ملک گفت: «را» در این جا به معنی « به » و حرف اضافه است و ملک متمم است.

گفت: « غایت لطف و کرم باشد » بفرمود تا غلام به دریا انداختند.

معنی: گفت این کار تو نهایت لطف و محبت است. دستور داد تا خدمتکار را به دریا انداختند.

باری چند غوطه خورد؛ جامه اش گرفتند و سوی کشتی آوردند. به دو دست در سکان کشتی آویخت. چون بر آمد، به گوشه ای بنشست و آرام یافت.

معنی: چند بار در آب فرو رفت، لباسش را گرفتند و به طرف کشتی آوردند. با دو دستش سکان کشتی را محکم گرفت وقتی وارد کشتی شد در گوشه ای آرام نشست.

ملک را پسندیده آمد، گفت: « در این چه حکمت بود؟ »

معنی: پادشاه، این کار دانشمند را پذیرفت و گفت: در این کار شما چه دلیل خردمندانه ای وجود دارد؟

گفت: « اول، محنت غرقه شدن را نچشیده بود و قدر سلامت کشتی را نمی دانست. »

معنی: گفت خدمتکار در آغاز، رنج و سختی غرق شدن را تجربه نکرده بود و قدر آرامش و امنیت را نمی دانست.

این حکایت با مثل « قدر عافیت کسی داند که به مصیبتی گرفتار آید. » ارتباط دارد.

یعنی: تا کسی گرفتار بلا و سختی نشود، قدر و ارزش عافیت و سلامتی را نخواهد دانست.

نعمت ها، خوشی ها و ایام سعادت و تندرستی همیشگی و پایدار نیستند و انسان وقتی ارزش واقعی آنها را می داند که آنها را از دست بدهد و دچار مشکل و گرفتاری بشود.

واژه آموزشی

حرف چون و کوتاه شده آن یعنی چو اگر در یک جمله بیاید و معنی مانند / مثل / همانند / همچو داشته باشند حرف ربط نیست. مثال: تنش چون نقره سفید و رویش چون گل زیباست.

در اینجا حرف (چون) به معنی مثل و مانند است و دو جمله را به هم ربط نداده است. پس حرف ربط نیست.

حالا به بیت زیر توجه کنید؟

موش چون حال شیر را دریافت
از برای خلاص او بشتافت

در بیت بالا حرف (چون) به معنی زمانی که است و جمله ی مصراع اول را به جمله ی مصراع دوم ربط داده است. بنابراین حرف ربط است.

نکته: برخی کلمات مانند چون / چو / که / تا و ... در جمله های مختلف معانی گوناگون می دهند و نقش این کلمه با توجه به معنی آنها مشخص می شود.

*** که حرف ربط بین دو جمله.**

مثال: من دیروز به خانه ی مادربزرگ رفته بودم که او را ببینم. که حرف ربط است .

*** که به معنی چه کسی .**

مثال: فضل خدای را که تواند شمار کرد یا کیست آن که شکر یکی از هزار کرد .

که به معنی چه کسی است .

معانی مختلف (چو / چون) در جمالت و ابیات مختلف

(۱) نشانه ی تشبیه .

مثال: بینداخت چون باد خم کمند سرِ جادو آورد ناگه به بند

(۲) قید به معنی زمانی که / هنگامی که.

مثال: **چو** رستم بدیدش برانگیخت اسب.

هنگامی که رستم او را دید اسب را آماده ی رفتن کرد .

در جمله ی بالا **چو** به معنی زمانی که است که در نقش قید است .

(۳) حروف ربط .

مثال : من دیروز به مدرسه نرفتم **چون** بیمار بودم .

معانی مختلف (تا) در جمالت و ابیات مختلف

(۱) حرف ربط بین دو جمله .

مثال: دلم را نذر کردم **تا** بیاید تنم را فرش کردم تا بتازد

در بیت بالا کلمه ی **تا** حرف ربط است .

(۲) حرف اضافه .

مثال : من از خانه **تا** مدرسه پیاده رفتم .

نکته ی بسیار مهم:

حرف **چون** گاهی به معنی چگونه، واژه ی پرسشی است و حرف ربط نیست .

مثال : گر فراموش کند لطفِ خدای **چون** رهی زین کشتی بی ناخدای ؟

حرف **چون** در مصراع دوم به معنی **چگونه** و واژه ی پرسشی است .

بیشتر بدانیم

بازگردانی: یکی از راه های تمرین نویسندگی، بازگردانی یعنی تبدیل شعر به نثر است.

شاعر در شعر گرفتار وزن و قافیه است به همین دلیل نمی تواند تمام اجزای جمله را در جای اصلی خودش بیاورد، علاوه بر این بیشتر تاکید روی یکی از اجزای جمله شاعر را وادار می کند که اجزای جمله را در جای اصلی خودش نیاورد.

برای بازگردانی شعر به نثر باید موارد زیر را رعایت کنید:

(۱) نهاد جمله را پیدا کنیم و نهاد را در ابتدای جمله و فعل را در پایان جمله می گذاریم .

(۲) در مرحله ی بعد باید بعد از نهاد، مفعول را قرار داد بعد صفت و مضاف الیه و... اجزای دیگر جمله را جای خود قرار می دهیم .

(۳) به جای واژه های دشوار شعر معادل امروزی آن ها را می گذاریم .

نکته ی مهم: گاهی در بعضی از بیت ها و مصراع ها اجزای جمله در جای خود قرار گرفته اند و نیازی به جا به جا کردن ندارد .

مثال: باد سرد آرام بر صحرا گذشت

سبزه زاران رفته رفته زرد گشت

نکته های نگارشی

۱) بازآفرینی: در بازآفرینی نویسنده به صورت مستقل عمل می کند و سوژه ی داستان را از ادبیات عامیانه یا حکایت های قدیمی می گیرد، بعد خودش با بهره گیری از ذهن فعال و خلاقش، داستان تازه ای می آفریند که فقط از یک سوژه ی قدیمی الهام گرفته است.

۲) شخصیت های داستان: به شخصیت هایی که رویداد داستان در مورد آنها اتفاق افتاده است و درباره ی آنها صحبت می شود. شخصیت های اصلی و به شخصیت هایی که در حاشیه ی داستان و در فرع قرار دارند، شخصیت های فرعی می گویند.

توصیه های املائی

ساختن ترکیب های جدید با کلمات درس به افزایش دقت و دامنه ی لغات شما کمک می کند و با افزایش پیشوند یا پسوند مناسب ترکیب های جدیدی بسازید و برای یادگیری بهتر هر کدام را در جمله ای به کار ببرید.

.....

.....

.....

تمرین

۱) شعر کاجستان سروده ی کیست؟

الف) اسدالله شعبانی ب) محمد جواد محبت ج) ملک الشعرا بهار د) بیوک میرزایی

۲) بیت زیر چند جمله است؟

گفت: ای آشنا، ببخش مرا
خوب در حال من تأمل کن

الف) ۲ جمله ب) ۴ جمله ج) ۳ جمله د) ۵ جمله

۳) در کدام گزینه مفعول دیده نمی شود؟

الف) خوب در حال من تأمل کن. ب) چند روزی مرا تحمل کن.
ج) ابر باران رساند و چندی بعد د) آن دو را چون دو دوست می دیدند.

۴) در کدام گزینه ترکیب وصفی دیده نمی شود؟

الف) کاج آسیب دیده ی ما هم ب) سالیان دراز رهگذران
ج) روزی از روزهای پاییزی د) کم کمک پا گرفت و سالم شد.

۶) کدام بیت می تواند به عنوان قید محسوب شود؟ (کل بیت نقش قیدی دارد.)

- الف) در کنار خطوط سیم پیام
خارج از ده، دو کاج روییدند.
- ب) سالیان دراز رهگذران
آن دو را چون دو دوست می دیدند.
- ج) روزی از روزهای پاییزی
زیر رگبار و تازیانه باد
- د) یکی از کاج ها به خود لرزید
خم شد و روی دیگری افتاد

۷) املاي کدام کلمه درست است؟

- الف) مطمئن ب) اطمئنان ج) مطمئن د) اطمأنان

۸) فعل کدام گزینه با بقیه فرق دارد؟

- الف) میوه ی کاج ها فرو می ریخت.
ب) ابر باران رساند و چندی بعد
- ج) مهربانی به گوش باد رسید.
د) ناگهان از برای من افتاد.

۹) مدارک جمع مکسر کدام گزینه است؟

- الف) مدرک ب) درک ج) ادراک د) کدر

۱۰) کدام گزینه جمع نیست؟

- الف) خطوط ب) رهگذران ج) کاجستان د) ریشه هایم

۱۱) شعر زیر با کدام ضرب المثل هماهنگی معنایی دارد؟

- الف) جهان کوه است و فعل ما ندا
سوی ما آید نداها را صدا
- ب) زبان سرخ سر سبز می دهد بر باد.
هر که بامش بیش برفش بیشتر.
- ج) از هر دست که بدهی از همان دست هم می گیری.
د) خواستن، توانستن است.

۱۲) بیت زیر کدام قالب شعری نمی تواند باشد؟

- الف) درخت تو گر بار دانش بگیرد
به زیر آوری چرخ نیلوفری را
- ب) مثنوی ج) غزل د) قصیده

۱۳) در جمله های زیر معنی واژه ی **چون** را مشخص کن ؟

- علی چون شیر در میدان جنگ دیده می شود. (مانند / زیرا)
- چون ترافیک بود به موقع سر قرار نرسیدم. (مانند / زیرا)
- خداوند چون بندگان را دوست دارد گناه آنان را می بخشد. (مانند / زیرا)

۱۴) در هریک از جمله های زیر واژه ی **چون** چه معنایی دارد؟

- لالایی مادر چون صدای آب دلنشین است.
- معلم خود را دوست دارم چون خیلی مهربان است.
- چون صدای اذان را شنید شروع به خواندن نماز کرد

۱۵) رویدادهای درس کاجستان را به ترتیب بنویسید؟

۱۶) در داستان زیر آسمان بزرگ پسرک به ترتیب سُرّاغ چه چیزی رفت؟

۱۷) در مصراع های زیر قید را پیدا کنید و با مداد زرد رنگ رنگ کن؟

- میوه ی کاج ها فرو ریخت. - کاج همسایه گفت: بانرمی .
- کم کمک پاگرفت و سالم شد. - چند روزی مرا تحمل کن .

۱۸) در مصراع های زیر صفت را پیدا کن و با مداد رنگی آبی رنگ بزن؟

- سالیانِ دراز، رهگذران - در کنار خطوط سیم پیام
- کاج آسیب دیده ی ما هم - دانه ها ریشه می زدند آسان

۱۹) **را** در کدام مصراع نشانه ی مفعول است با مداد قرمز رنگ بزن.

- گفت: ای آشنا ببخش مرا - دوستی را نمی برم از یاد
- چند روزی مرا تحمل کن. - آن دو را چون دو دوست می دیدم.

۲۰) شخصیت های اصلی و شخصیت های فرعی زیر آسمان بزرگ را مشخص کن؟

والدین سنجی				
ن ت	ق ق	خ	خ خ	
				۱) فرزندم توانایی تشخیص آرایه های موقوف المعانی را دارد .
				۲) حروف را به خوبی از هم تشخیص می دهد .
				۳) او در بازگردانی و بازآفرینی مهارت کافی دارد .
خودسنجی درس ۱۵				
ن ت	ق ق	خ	خ خ	
				۱) توانایی تشخیص آرایه های موقوف المعانی را دارم .
				۲) حروف را به خوبی از هم تشخیص می دهم .
				۳) در بازگردانی و بازآفرینی مهارت پیدا کردم .



لغات

(درس ۱۵)

فارسی کلاس پنجم ابتدایی



کاجستان

کلاس پنجم ابتدایی

○ معنی واژه‌های جدید

کاجستان: جایی که در آن درخت کاج فراوان روییده باشد.	تازیانه: شلاق
تأمل کردن: اندیشیدن	رهگذران: عابران
	تحمل: تاب داشتن

○ واژه‌های مهم املائی: خطوط سیم - رهگذران - تازیانه - تحمل - تأمل - اتفاق - کاجستان - ساحل - حصار

محمدجواد محبت، شاعر معاصر ایرانی و متولد سال ۱۳۲۱ هجری شمسی در کرمانشاه است. از آثار او موج عطرها، بهشتی، گلوی سبز آواز و ... را می‌توان نام برد.

○ کلمه‌های هم‌خانواده

خطوط	خط، خطاط	تحمل	حمل، متحمل
------	----------	------	------------

○ کلمه‌های متضاد

کلمه	خارج	دوست	آشنا	روز	نرمی	ملايم	سالم	آسان
متضاد	داخل	دشمن	غریبه	شب	تندی	تند	بیمار	سخت

○ معنی شعر

گفت: «ای دوست و آشنای من، مرا ببخش. خوب در حال و روز من اندیشه کن،

ریشه‌های من از خاک بیرون زده است، چند روز من را تحمل کن،»

کاج دوست و همسایه‌ی او با مهربانی گفت: «من دوستی بین خودمان را از یاد نمی‌برم.»

○ معنی واژه‌های جدید

نصیحت: پند، سفارش	حصار: دیوار	بذر: دانه، گیاه	مایل: علاقه‌مند
ثروت: اموال، دارایی	تصور: اندیشه، خیال	سرنگون: واژگون، از بین رفتن	

○ واژه‌های مهم املائی: ثروت - نصیحت - نوه‌اش - احتیاج - بلافاصله - مطمئن - خاراند - بذر - خاطر - محصول - تصور - سقف - ضرر - خوابید - حصار - افق - آغوش

تُرورِ رومی، داستان «زیر آسمان بزرگ» را نوشته که توسط مجید عمیق، ترجمه شده است.

○ کلمه‌های متضاد

کلمه	زیاد	ثروت	بزرگ	زیر	بالا	محکم	کم‌ترین	نامید	بی‌ارزش
متضاد	کم	فقر	کوچک	رو	پایین	سست، شُل	بیشترین	امیدوار	بارزش

○ معنی واژه‌های جدید

غلام: خدمتکار	محنت: رنج و سختی	ملاطفت: مهربانی، محبت
آزرده: ناراحت، رنجیده	خامش: مخفف خاموش	غایت: نهایت، پایان
غوطه‌خوردن: فرورفتن در آب	جامه: لباس	مَلک: پادشاه

حکایت «حکمت» از باب اول گلستان انتخاب شده است. گلستان سعدی هشت باب (قسمت) دارد که باب اول آن «در سیرت پادشاهان» است.

① محنت کشتی نیازموده: رنج و سختی سفر با کشتی را امتحان (تجربه) نکرده است.

② ملک را گفت: «اگر فرمان دهی، من او را به طریقی، خامش گردانم.» به پادشاه گفت: «اگر دستور بدهی، من با یک روشی او را ساکت می‌کنم.»

③ گفت: «غایت لطف و کرم باشد.» گفت: «نهایت مهربانی و بخشش باشد.»

④ اول محنت غرقه‌شدن، نچشیده بود و قدر سلامت کشتی نمی‌دانست. : در آغاز رنج و سختی غرق‌شدن را تجربه نکرده بود و قدر سلامتی درون کشتی را نمی‌دانست.

دانش زبانی : در ادبیات فارسی «چون یا چو» معنای مختلفی دارد:

۱. به معنای مثل و مانند: برق چون شمشیر برآن پاره می‌کرد ابرها را

۲. به معنای زیرا و برای این‌که: (در این‌جا به عنوان حرف ربط می‌آید) امروز زود برگشتم چون باران گرفت.

۳. به معنای وقتی و هنگامی: علم، چندان که بیشتر خوانی / چون عمل در تو نیست، نادانی

۴. به معنای چه‌طور و چگونه: چون است حال بستان، ای باد نوبهاری!

پس کلمه‌ی «چون» در جمله‌های مختلف، معنای گوناگونی دارد و بهتر است برای فهمیدن آن به معنای کل جمله و نوع کاربرد «چون» در آن جمله توجه کنیم.

سوالات درس

۱- معنای کلمه‌ی «چو» و «چون» در هر عبارت چیست؟

الف) چو ایران نباشد تن من مباد.

ب) چون دیرم شده بود، تاکسی سوار شدم.

ج) مادرم چون ستاره‌ای می‌درخشد.

۲- با کلمه‌های به‌هم‌ریخته یک جمله بسازید.

هم	بودند	کاج	سال	دوست	سال‌های	دو	با
----	-------	-----	-----	------	---------	----	----

۳- کلمه‌ی چون را در دو جمله با دو معنی متفاوت به کار ببرید.

چون:

چون:

کاربرگ درس ۱۵ (فارسی)

تاریخ:

نام آموزگار:

نام:

نام خانوادگی:

کلاس پنجم ابتدایی

۱. جاهای خالی را با توجه به کلمه‌ی داخل کمانک کامل کنید.

پادشاهی با غلامی در کشتی نشست و غلام، هرگز دریا ندیده بود و (محنت - مهنت) کشتی
نیازموده، گریه و زاری (در نهاد - در نهاد) و لرزه بر اندامش افتاد، چندان که (ملافت -
ملاطفت) کردند، آرام نمی‌گرفت و ملک از این حال آزرده گشت. حکیمی در آن جا به ملک
گفت: «اگر فرمان دهی، من او را به (طریقی - طریقی) خامش گردانم.»

۲. در بیت زیر دو غلط املایی وجود دارد، شکل صحیح آن‌ها را بنویسید.

در کنار ختوط سیم پیام	خارج از ده دو کاج رویدند
سالیان دراز رهگزران	آن دو را چون دو دوست می‌دیدند
(.....)	(.....)

۳. معنی واژه‌های زیر را بنویسید.

تازیانه (.....) تأمل کن (.....) آشنا (.....)

۴. متضاد واژه‌های زیر را بنویسید.

(بیخس #.....) (روزهای #.....) (آشنا #.....)

۵. با حروف به هم ریخته یک کلمه‌ی معنادار بنویسید.

ان گ ا ه ن ← ا ج ک س ا ن ت ←

۶. با کلمه‌های به هم ریخته یک جمله بسازید.

با دو سال‌های دوست سال کاج بودند هم

۷. کلمه‌ی چون را در دو جمله با دو معنی متفاوت به کار ببرید.

چون:

چون:

۸. مفهوم متّـل مقابل را بنویسید. قدر عافیت، کسی داند که به مصیبتی گرفتار آید.

۹. یک بند درباره‌ی یکی از سه موضوع زیر بنویسید.

الف) کاجستان ب) مهربانی ج) روزهای پاییزی

.....

.....

.....

.....

۱۰. مفهوم کلی و پیام شعر کاجستان را در یک خط بنویسید.

۱۱. با هر دو کلمه یک جمله بنویسید.

● کاج - مهربانی:

● اتفاق - رهگذران:

معنای کلمه‌ی «چو» و «چون» در هر عبارت چیست؟

الف) چو ایران نباشد تن من مباد.

ب) چون دیرم شده بود، تا کسی سوار شدم.

ج) مادرم چون ستاره‌ای می‌درخشد.

آزمون درس ۱۵ (فارسی)

کلاس پنجم ابتدایی

نام:

نام خانوادگی:

تاریخ:

نام آموزگار:

ا) معنی واژه‌ها را بنویسید.

۱. تأمل: ۲) کاجستان: ۳) کم کمک: ۴) حصار:
۵. محنت: ۶. ملاطفت: ۷. غوطه خوردن: ۸. جامه:

ب) معنی و مفهوم هر قسمت را ساده و روان بنویسید.

۹. گفت: «ای آشنا، ببخش مرا خوب در حال من، تأمل کن»

۱۰. چندان که ملاطفت کردند، آرام نمی‌گرفت و ملک از این حال، آزرده گشت.

۱۱. گفت: «غایت لطف و کرم باشد.»

۱۲. اول محنت غرقه شدن، نچشیده بود و قدر سلامت کشتی نمی‌دانست.

پ) جاهای خالی را واژگان مناسب پر کنید.

۱۳. شعر «کاجستان» سروده‌ی است.

۱۴. حکایت «حکمت» از باب گلستان سعدی انتخاب شده است.

۱۵. درس «زیر آسمان بزرگ» اثر است.

ت) درست یا نادرست را مشخص کنید.

نادرست

درست

۱۶. «گلستان» هشت باب دارد که باب دوم آن «در سیرت پادشاهان» است.

۱۷. درس «زیر آسمان بزرگ» ترجمه‌ی مجید عمیق است.

۱۸. دو کاج فقط مدت کوتاهی با هم دوست بودند.

ث) با انتخاب واژه‌ای از میان کمانک، جاهای خالی را پر کنید.

۱۹. شما را (چون، برای) برادر خود می‌دانم.

۲۰. (مثل - چون) باران می‌آمد، خیس شده بود.

۲۱. خوب در حال من، (تحمل، تأمل) کن / ریشه‌هایم ز خاک بیرون است / چند روزی، مرا (تحمل، تأمل) کن.

(ج) پاسخ کوتاه بدهید.

۲۲. معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

چون آقای میرخان را دیدم چون گل شکفتم.

۲۳. واژه‌های زیر معمولاً در شعر چگونه می‌آیند؟

(ا) اگر: (ب) اکنون: (پ) ماه:

(ت) کوتاه: (ث) که او: (ج) چون:

۲۴. مفرد واژه‌های زیر را بنویسید.

(ا) خطوط: (ب) اتفاقات: (پ) کاجستان‌ها: (ت) مردان:

۲۵. حکایت «حکمت» با کدام ضرب‌المثل زیر تناسب معنایی دارد؟

(ا) قدر عافیت، کسی داند که به مصیبتی گرفتار آید. (ب) زبان سرخ، سرسبز می‌دهد بر باد.

(ج) املائی موریانه‌ای

باز هم موریانه‌ی داستان ما حرف‌های برخی از واژه‌ها را خورده است، لطفاً دوباره آن‌ها را بنویسید.

«با کودک باید با ملا...سفت رفتار کرد و لطف و کرم همین است. اگر در استخر بچه‌ای غو...ه بخورد

باید کمکش کنیم تا قدرلامتی را بداند و به م.....نت غرقه شدن نیندیشد.»

(ج) درک متن

۲۷. با توجه به شعر درس، به پرسش‌های جدول زیر، پاسخ دهید.

آ) نام داستان:

ب) شخصیت

داستان:

پ) داستان در چه محلی اتفاق افتاده است؟

ت) داستان در چه زمانی رخ داده بود؟

۲۸. با جابه‌جا کردن اجزای جمله، بیت‌های زیر را مانند نمونه، به زبان ساده بازگردانید.

شعر: باز می‌پیچد میان خانه‌ها بوی اسفند و گلاب و بوی عود

بازگردانی: باز بوی اسفند و گلاب و بوی عود میان خانه‌ها می‌پیچد.

شعر: آ) می‌رسد فصل بهاری جاودان فصلی از عطر و گل و شعر و سرود

بازگردانی: آ)

شعر: ب) کاج همسایه گفت با نرمی: دوستی را نمی‌برم از یاد

بازگردانی: ب)

خ) تصویرنویسی و نگارش

۲۹. یک داستان کوتاه مثل «دو کاج»- درباره‌ی خودتان و دوستان بنویسید.

۳۰. جمله‌ای بنویسید که دو بار «چون» در آن به کار رفته باشد و معنی متفاوتی داشته باشد.

د) سؤالات چهارگزینه‌ای

۳۱. در گروه کلمات زیر، چند غلط املائی وجود دارد؟

«تأمل و اندیشه- اتفاق و حادثه- مطمئن و آسوده‌خاطر- بذر محبت- حصار و محدوده- مهنهت کشتی- ملاطفت و

مهربانی- غایت لطف- غوطه خورد»

۴) چهار

۳) سه

۲) دو

۱) یک

۳۲. گلستان دارد و باب آن «در سیرت پادشان» است.

(۱) ده-اول (۲) هشت-اول (۳) چهل و چهار-اول (۴) هشت-هشتم

۳۳. معنای کدام گزینه نادرست است؟

(۱) حصار: دیوار (۲) جامعه: لباس (۳) ملک: پادشاه (۴) تصوّر: خیال

۳۴. «غایت لطف و کرم باشد» یعنی

(۱) نهایت مهربانی و بخشش باشد. (۲) ابتدای مهربانی است.

(۳) بیشترین حالت شادی است. (۴) بیشترین، بهترین و زیباترین نوع زندگی باشد.

۳۵. در کدام گزینه «چو» با بقیه تفاوت معنایی دارد؟

(۱) دهقان چو تنور خود از این هیمه برافروخت بگریست سپیدار و چنین گفت دگر بار

(۲) عمر چو به سر رسد چه بغداد و چه بلخ پیمانه چو پر شود چه شیرین و چه تلخ

(۳) چو باد عزم سر کوی یار خواهم کرد نفس به بوی خوشش مشکبار خواهم کرد

(۴) چو بینی یتیمی سرافکنده پیش مده بوسه بر روی فرزند خویش

۳۶. در کدام گزینه «چون» حرف ربط نیست؟

(۱) چون با ادب و تمیز باشی نزد همه کس عزیز باشی

(۲) هر نسیمی که به من بوی خراسان آرد چون دم عیسی در کالبدم جان آرد

(۳) علم، چندان که بیش تر خوانی چون عمل در تو نیست، نادانی

(۴) هر نفسی که فرو می‌رود ممدّ حیات است و چون برمی‌آید مفرّح ذات.

تاریخ:

نام آموزگار:

آزمون فصل پنجم (فارسی)

کلاس پنجم ابتدایی

نام:

نام خانوادگی:

۱ ترکیب کدام واژه با واژه‌ی «زیبا» با بقیه متفاوت است؟

- الف) دختر ب) گل ج) خنده د) ماه

۲ در کدام گزینه، معنی واژه‌ی «چون» با بقیه متفاوت است؟

- الف) سالیان دراز رهگذران / آن دو را چون دو دوست می‌دیدند
 ب) ای بشر، هر جا که هستی، چون گل بی‌خار باش
 ج) دل سام شد چون بهشت برین / بر آن پاک‌فرزند، کرد آفرین
 د) قناعت می‌کنم با درد، چون درمان نمی‌بینم

۳ حروف جامانده از واژه‌ها را پیدا کنید و واژه‌ها را کامل کنید.

ریشه‌ی ا...لی ترس‌های نادرست، در ج...ل و نادانی است. بع...ی از تاریکی می‌ترسند و برخی از پزشک، در ...الی که نمی‌دانند تلخی دارو و رنج جرّآ...ی، سلامت آنها را ت...مین می‌کند.

۴ در متن زیر، واژه‌هایی را که نادرست نوشته شده‌اند، پیدا کنید و شکل درست آنها را بنویسید.

در یکی از روزها، مردی قدبلند پشت شیشه‌ی مغازه ایستاد. امید، انتظار داشت که او هم مثل بقیه، نگاهی به قاب‌ها بیندازد و زود بگذرد. امید در حالی که به کیف چرمی قهوای رنگ مرد نگاه می‌کرد گفت: «قاب می‌خواستید آقا؟»

۵ مترادف (هم‌معنی) واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

- الف) آنچه نکوهیده است، این است که انسان بی‌دلیل بترسد.
----- ب) گفت: «ای آشنا ببخش مرا / خوب در حال من تأمل کن»
----- ج) جوان با پای پیاده رفت تا اینکه به یک حصار رسید.

۶ برای هر مورد، یک بیت شعر بنویسید که واژه‌های زیر در آن به کار رفته باشد.

الف) رنگین کمان:

ب) فواره:

۷ برای هر واژه، یک صفت مناسب بنویسید.

انسانِ _____ خورشیدِ _____ کارِ _____ خانه‌ی _____

۸ حکایت «حکمت» را به زبان ساده و به صورت خلاصه بازنویسی کنید.



حکمت

پادشاهی با غلامی در کشتی نشست و غلام هرگز دریا ندیده بود و محنت کشتی نیازموده، گریه و زاری در نهاد و لرزه بر اندامش افتاد؛ چندان که ملاحظت کردند، آرام نمی‌گرفت و ملک از این حال، آزرده گشت. چاره ندانستند. حکیمی در آن کشتی بود، ملک را گفت: «اگر فرمان دهی، من به طریقی او را خاموش گردانم.»
گفت: «غایت لطف و کرم باشد.»
بفرمود تا غلام را به دریا انداختند.
باری چند، غوطه خورد؛ جامه‌اش گرفتند و سوی کشتی آوردند. به دو دست در سکان کشتی آویخت. چون برآمد، به گوشه‌ای بنشست و آرام یافت.
ملک را پسندیده آمد، گفت: «در این، چه حکمت بود؟»
گفت: «اول، محنت غرقه شدن، نچشیده بود و قدر سلامت کشتی نمی‌دانست.»
«گلستان سعدی»

پاسخنامه

کلاس پنجم ابتدایی

۱- گزینه‌ی ج درست است. (به واژه‌ی خنده در ترکیب با صفت، «ی میانجی» اضافه می‌شود (خنده‌ی زیبا) ولی بقیه‌ی واژه‌ها فقط کسره می‌گیرند.)

۲- گزینه‌ی د درست است. (واژه‌ی «چون» در گزینه‌ی «الف» و «ب» و «ج»، به معنای «مانند» و در گزینه‌ی «د» به معنای «به دلیل اینکه» است.)

۳- اصلی - جهل - بعضی - حالی - جرّاحی - تضمین

۴- انتظار - بگذرد - قهوه‌ای - می‌خواستید

۵- الف) نکوهیده: زشت، ناپسند ب) تأمل: اندیشه ج) حصار: دیوار

۶- الف) پیش پای او به رسم پیشواز / ابر با رنگین کمان پل می‌زند
ب) در فضای باغ‌ها پر می‌شود / باز هم فواره‌ی گنجشک‌ها

۷- انسان شریف خورشید تابان کار پسندیده خانه‌ی باصفا

۸- پادشاهی همراه با خدمتکار خود سوار کشتی شد. خدمتکار تا آن زمان، هیچ‌وقت دریا را ندیده بود و رنج و سختی سفر با کشتی را تجربه نکرده بود. ترسید و شروع به گریه و زاری کرد و بدنش می‌لرزید. هرچه با او مهربانی کردند، آرام نمی‌شد و پادشاه به‌خاطر ناله‌ی او، آزرده‌خاطر شد. کسی نمی‌دانست باید چکار کنند. دانشمندی در آن کشتی بود و به پادشاه گفت: «اگر شما دستور دهید، من او را ساکت می‌کنم.»

پادشاه گفت: «نهایت لطف توست.»

دانشمند دستور داد که خدمتکار را به دریا بیندازند. خدمتکار در آب فرو رفت و شناور شد. سپس لباسش را گرفتند و او را به طرف کشتی آوردند. او دو دستش را به سکان کشتی گرفت و آویزان شد. وقتی وارد کشتی شد، در گوشه‌ای آرام نشست.

پادشاه از این کار دانشمند خیلی خوشش آمد و گفت: «در این کار، چه حکمتی وجود داشت؟»

دانشمند گفت: «در ابتدا غلام، رنج و سختی غرق شدن را نمی‌دانست.»

«قدر عافیت کسی داند که به مصیبتی گرفتار شود.»



گام به گام

(درس ۱۵)

فارسی کلاس پنجم ابتدایی



درس پانزدهم

کاجستان

در کنار خطوط سیم پیام

خارج از ده، دو کاج رویدند

بیرون از روستا، در کنار سیم های تلفن، دو کاج رویده بودند

سالیان دراز، رهگذران

آن دو را چون دو دوست می دیدند

سال های طولانی عابران آن دو درخت از مانند دو دوست می دیدند

روزی از روزهای پاییزی

زیر رگبار و تازیانندی باد

در یکی از روز های پاییزی، زیر باران تند و شلاق باد

یکی از کاج ها به خود لرزید

خم شد و روی دیگری افتاد

یکی از کاج ها سست شد و به همین دلیل کج شد و روی کاج دیگر افتاد

گفت: «ای آشنا، ببخش مرا

خوب در حال من، تأمل کن

کاج افتاده و شکسته گفت: ای دوست مرا ببخش، خوب به حال اکنون من فکر کن

ریشه هایم ز خاک، بیرون است

چند روزی، مرا تحمل کن.»

ریشه های من از خاک بیرون زده است، چند روز مرا و سنگینی ام را تحمل کن

کاج همسایه، گفت با نرمی:

«دوستی را نمی برم از یاد،

کاج همسایه با ملاحظت و مهربانی گفت: من هیچگاه دوستی را فراموش نمی کنم



شاید این اتفاق هم روزی

ناگهان از برای من افتاد.»

شاید این ماجرا روزی هم به طور ناگهانی برای من پیش بیاید

مهربانی به گوش باد رسید

باد، آرام شد، ملایم شد

مهربانی و محبت بین دو کاج به گوش باد رسید، به همین دلیل باد آرام و مهربان شد

کاج آسیب دیده‌ی ما هم

کم‌کم، پاک‌گرفت و سالم شد.

کاج صدمه دیده هم، کم‌کم بهتر شد و سلامتی اش را به دست آورد

میوه‌ی کاج‌ها، فرومی‌ریخت

دانه‌ها ریشه می‌زدند آسان

میوه درخت‌های کاج روی زمین می‌افتاد و دانه‌های آن‌ها به راحتی ریشه می‌زدند

ابر، باران رساند و چندی بعد

ده ما، نام یافت «کاجستان» ...

ابر هم اب باران را به آن‌ها می‌رساند به همین خاطر مدتی بعد نام روستای ما کاجستان شد

محمدجواد محبت



درست و نادرست

- ۱ باد وقتی دید که ریشه‌های کاج از خاک بیرون هستند، آرام شد. نادرست، زمانی که مهربانی بین کاج‌ها به گوش باد رسید باد آرام شد.
- ۲ دو کاج، سال‌های سال با هم دوست بودند. درست.
- ۳ در یک روز پاییزی، باد شدیدی وزید. درست.

درک مطلب

- ۱ علت آرام شدن باد، چه بود؟ محبت و علاقه بین دو کاج
- ۲ ده، چگونه به کاجستان تبدیل شد؟ میوه‌های دو کاج بر روی زمین می افتادند و دانه‌های آن‌ها در خاک ریشه می زدند، ابر هم آب باران را به آن‌ها می رساند. این موضوع باعث شد کاج‌های زیادی در آن جا رشد کنند
- ۳ کاج همسایه در پاسخ به درخواست کمک دوستش چه گفت؟ من دوستی را فراموش نکرده‌ام، شاید این اتفاق روزی هم برای من بیافتد
- ۴ کدام بیت یا بیت‌های درس را بیشتر می‌پسندید؟ دلیل خود را بیان کنید. مهربانی به گوش باد رسید / باد آرام شد، ملایم شد؛ زیرا تاثیر محبت و مهربانی را نشان می‌دهد
- ۵ آیا کاج همسایه با کاج اسب دیده‌نا مهربانی کرد؟ خیر، او حق دوستی را به جا آورد و مدتی وزن کاج اسب دیده را تحمل کرد تا خوب شود

واژه‌آموزی

- جو / چون: یعنی مانند، مثل، همانند، همچون.
- شما را چون برادر خود می‌دانم. (مثل، مانند)
 - آن دو را چون دو دوست می‌دیدند. (مانند، مثل)
- چو / چون: یعنی به دلیل، به سبب، زیرا، وقتی که.
- چون باران می‌آمد، خیس شده بود. (به دلیل اینکه / چون که)
 - به مدرسه می‌روم، چون یادگیری را دوست دارم. (به دلیل اینکه، زیرا که)





بخوان و بیندیش



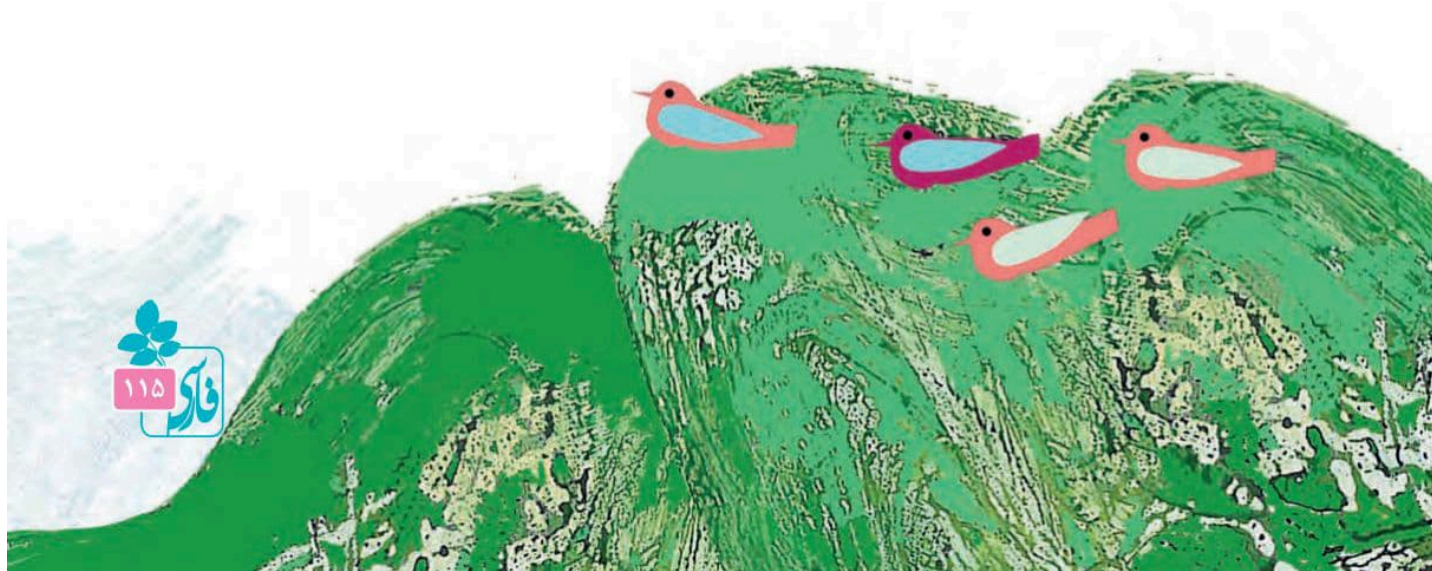
زیر آسمانِ بزرگ

روزی از روزها، پیرمردی به نوه‌اش گفت: «من دیگر پیر شده‌ام و مدت زیادی از عمرم باقی نمانده است. دلم می‌خواهد پس از مرگم ثروتم به تو برسد؛ اما پیش از آنکه این ثروت مال تو شود، باید راز زندگی را پیدا کنی و برایم بیاوری.»





پسرک پرسید: «اما پدر بزرگ، برای یافتن آن، کجا را باید بگردم؟»
پدر بزرگ جواب داد: «راز زندگی زیر این آسمان بزرگ است. تو آن را زیر همین آسمان بزرگ پیدا می‌کنی.»
پسرک، راه سفر را در پیش گرفت. ابتدا او در سر راه خود، یک خودرو دید.
از خودرو پرسید: «آیا در مسیری که می‌آمدی، از کنار راز زندگی عبور کردی؟»
خودرو جواب داد: «نه، من هرگز از کنار راز زندگی عبور نکرده‌ام؛ اما چیزی هست که باید به تو بگویم: این مهم نیست که چند کیلومتر راه طی می‌کنی، بلکه باید همیشه این را به یاد داشته باشی که از کجا آمده‌ای.»



پسرک از خودرو تشکر کرد و راهش را ادامه داد و عاقبت به یک درخت رسید.
پرسید: «آیا از آن بالا می‌توانی راز زندگی را ببینی؟»
درخت جواب داد: «من از این بالا می‌توانم نوک شاخه‌های درختان بلوط را ببینم؛ اما می‌خواهم نصیحتی به تو بکنم.»

پسرک گفت: «خواهش می‌کنم، بفرمایید. من به نصیحت‌های خوب، احتیاج دارم.»
درخت گفت: «تو باید از محکم بودن ریشه‌هایت در زیر زمین مطمئن شوی، وگرنه، در برابر کمترین وزش باد، بلافاصله سرنگون خواهی شد.»
پسرک، در ادامه‌ی سفرش با کشاورزی که در مزرعه‌ای کار می‌کرد، رو به رو شد. کشاورز گفت:
«به نظر می‌رسد چیزی گم کرده‌ای؟»

پسرک نگاهی به دور و برش کرد و جواب داد: «من در جست و جوی راز زندگی هستم.»
کشاورز گفت: «تو در اینجا راز زندگی را پیدا نمی‌کنی.»
پسرک پرسید: «آیا شما خبر دارید که کجا را باید جست و جو کنم؟»
کشاورز چانه‌اش را خاراند و جواب داد: «مطمئن نیستم. اما اگر فکری به خاطرت رسیده است، بهتر است آن را مانند بذری که در زمین کاشته می‌شود، تصوّر کنی. بذر را بکار و آن را مراقبت کن. طولی نمی‌کشد که رشد می‌کند و محصولش را برداشت می‌کنی.»

پسرک از شنیدن حرف‌های کشاورز کمی گیج شد و سپس به راهش ادامه داد.
پس از پیمودن مسافتی، به میدان یک شهر رسید که گروهی در حال اجرای موسیقی بودند.
پسرک از یکی از ویلون‌ها پرسید: «آیا تا به حال شنیده‌اید که خواننده‌ای ترانه‌ی راز زندگی را خوانده باشد؟»

ویلون جواب داد: «نه، نشنیده‌ام؛ اما احساس می‌کنم این راز باید جایی باشد. وگرنه چگونه من که فقط از یک تکه چوب با چهار سیم ساخته شده‌ام، می‌توانم آهنگ‌هایی چنین زیبا به وجود بیاورم؟»
حرف‌های ویلون به دل پسرک نشست. او به جست‌وجویش ادامه داد تا آنکه به ساحل رسید و روی ماسه‌ها نشست و به دریا خیره شد.
دریا گفت: «سختی‌های زندگی را هم مانند امواج دریا بدان که عمر کوتاهی دارند و سرانجام روزی به پایان می‌رسند.»




پسرک به جست و جویش ادامه داد و عاقبت با یک لاک‌پشت رو به رو شد.
 پسرک گفت: «من به دنبال راز زندگی هستم.»
 لاک‌پشت گفت: «زمان را ... از دست ... نده ... چیزی را که به دنبالش هستی... پیدا می‌کنی.»
 پسرک به خانه برگشت و روی تخت دراز کشید و به سقف اتاق خیره شد.
 تخت از او پرسید: «روز خوبی نداشتی، مگر نه؟»
 پسرک جواب داد: «حق با توست.»
 تخت گفت: «کمی استراحت کن. هیچ کس تا به حال از کمی استراحت کردن، ضرر نکرده است.»
 پسرک، برای مدتی کوتاه خوابید. وقتی بیدار شد، دست و صورتش را شست و دوباره به راه افتاد تا به جست و جویش ادامه دهد. او با پای پیاده رفت و رفت، تا اینکه به یک حصار رسید. پسرک به حصار تکیه داد و گفت: «من باید راز زندگی را پیدا بکنم.»
 حصار گفت: «راز زندگی که فقط یک چیز نیست. به من نگاه کن! هر کدام از این تکه‌های چوب به تنهایی ارزشی ندارند؛ اما وقتی در کنار هم قرار می‌گیرند، یک حصار پر پیچ و خم می‌سازند که تا هر جا هم ادامه داشته باشند، باز باهم هستند.»



سر انجام، او یک مرد جوان شد... اما هنوز به جست و جویش ادامه می‌داد.
 او پیش پدربزرگش رفت و گفت: «من همه جای دنیا را جست و جو کردم. من همه‌ی قاره‌های دنیا را زیر پا گذاشتم. با افراد بسیاری آشنا شدم. خیلی چیزها یاد گرفتم؛ اما راز زندگی را پیدا نکردم.»
 پدربزرگ جواب داد: «اما تو، راز زندگی را پیدا کرده‌ای. همین سفر، خودش راز زندگی بود. در این سفر، تو تمام چیزهایی را که برای لذت بردن از یک زندگی ارزشمند و پربار لازم است به دست آورده‌ای!»





مرد جوان، لبخندی زد.

پیرمرد گفت: «اکنون همه‌ی ثروت من، ثروت توست.» آن وقت،
نوه‌اش را در آغوش کشید و در حالی که به افق اشاره می‌کرد، گفت:
«آری، ثروت من زیر این آسمان بزرگ است. زیر این آسمان بزرگ.»

ترژور رومین، ترجمه‌ی مجید عمیق



درک و دریافت

۱ کدام مَثَل با محتوای داستان هم‌خوانی دارد؟

الف) هر کسی را بهر کاری ساختند.

ب) هر که بامش بیش، برفش بیشتر.

پ) نابُرده رنج، گنج میسر نمی‌شود.

ت) درخت تو گر بار دانش بگیرد به زیر آوری، چرخ نیلوفری را

ث) پیری و معرکه گیری.

۲ به نظر شما ثروت پدربزرگ چه بود؟ **دانایی و تجربه زندگی**

۳ منظور حصار از اینکه گفت: «راز زندگی فقط یک چیز نیست» چه بود؟ **راز زندگی مجموعه‌ای از همه چیزهایی که در جهان وجود دارد**

۴ شخصیت‌های داستان را بر اساس شکل زیر بیان کنید:



حکایت

حکمت

پادشاهی با غلامی در کشتی نشست و غلام، هرگز دریا ندیده بود و محنت کشتی نیازموده، گریه و زاری در نهاد و لرزه بر اندامش افتاد؛ چندان که ملاحظت کردند، آرام نمی‌گرفت و ملک از این حال، آزرده گشت. چاره ندانستند. حکیمی در آن کشتی بود، ملک را گفت: «اگر فرمان دهی، من او را به طریقی، خاموش گردانم.»

گفت: «غایت لطف و کرم باشد.»

بفرمود تا غلام به دریا انداختند.

باری چند، غوطه خورد؛ جامه‌اش گرفتند و سوی کشتی آوردند. به دو دست در سکان کشتی آویخت. چون بر آمد، به گوشه‌ای بنشست و آرام یافت.

ملک را پسندیده آمد، گفت: «در این، چه حکمت بود؟»

گفت: «اول، محنت غرقه شدن، نچشیده بود و قدر سلامت کشتی نمی‌دانست.»

سعدی، «گلستان»، باب اول «در سیرت پادشاهان»

پس از گفت و گو درباره‌ی مثل‌های زیر، مشخص کنید، مفهوم حکایت با کدام ضرب‌المثل‌های زیر، تناسب دارد؟

- | | |
|--|---|
| <input type="checkbox"/> از هر دست بدهی از همان دست هم می‌گیری. | <input type="checkbox"/> هر که بامش بیش، برفش بیشتر. |
| <input type="checkbox"/> زبان سرخ، سر سبز می‌دهد بر باد. | <input type="checkbox"/> سواره، خبر از حال پیاده ندارد. |
| <input checked="" type="checkbox"/> قدر عافیت، کسی داند که به مصیبتی گرفتار آید. | <input type="checkbox"/> خواستن، توانستن است. |



والدین و مربیان گرامی

- محصولی که در دست دارید دارای مجوز نشر و ثبت شده در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌باشد.
- در صورت کپی برداری، فروش، ارسال، برداشتن لوگو یا انتشار آن برای دیگران، طبق قوانین جرایم رایانه‌ای با شما برخورد خواهد شد و شما موظف به جبران خسارات وارده به انتشارات مشق آنلاین خواهید بود.
- مربیان و مدارس مجاز به حذف لوگو مشق آنلاین از محصولات **نیستند** لذا می‌توانیم در صورت خرید قانونی از سایت مشق آنلاین، لوگو درخواستی شما را طبق نظر شما به صورت رایگان در محصولات قرار دهیم.



سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

نمادها و صلاحیت‌ها

